



مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

گزارش جمهور/شماره ۶-۱۰/۷ و ۲۰ آبان ماه

بررسی مولفه های کارآمدی سیاست خارجی دولت نهم

تهیه و تنظیم:

دکتر سید محمد علی حسینی

دستیار ویژه وزیر و سخنگوی وزارت امور خارجه

گزارش جمهور

زیر نظر شورای سیاستگذاری

نشانی: تهران-خیابان جمهوری-
خیابان دانشگاه جنوبی-پلاک ۱۸۷

تلفن: ۶۴۴۵۳۱۰۴

۶۶۴۱۳۶۰۳

نمابر: ۶۶۹۵۳۰۸۱

E-mail: RDC@GOVIR.IR

سخن نخست:

سیاست خارجی در هر کشوری یکی از ارکان سیاسی و از ابزارهای مهم محافظت کننده از منافع ملی است. در حقیقت سیاست خارجی در هدف معطوف به سلسله ارزش های ملی تحت عنوان هویت و مصلحت است و در روش معطوف به ارتباطات، اطلاع رسانی، روشنگری، توافق و تعهدات حقوقی است که تحت عنوان دیپلماسی شناخته می شود. مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری در راستای تبیین مولفه های کارآمدی سیاست خارجی دولت نهم اقدام به انتشار اجمالی از دستاوردها و رویکردهای دولت نهم در این خصوص از زبان سخنگوی محترم وزارت امور خارجه مبادرت نموده است که جهت بهره برداری تصمیم گیران و تصمیم سازان عرصه سیاست خارجی ارائه می گردد.

معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی
مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

مقدمه

دولت نهم در تنظیم و جهت‌گیری مناسبات و روابط خارجی خود به چند اصل اساسی اتکا دارد. عدالت در روابط بین‌الملل، مهرورزی، پایداری بر اصول، توسعه متوازن و برابر روابط با دیگر کشورها، توسعه عضویت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی، منطقه‌ای و جهانی، مقابله با تک‌قطبی‌گرایی و سیاست خارجی چندجانبه‌گرا از اهم آن اصول است. تأکید بر این نکته که دولت نهم در سیاست خارجی خود همه زمینه‌های دیپلماسی رسانه‌ای، اقتصادی و فرهنگی را در کنار دیپلماسی معمول پیش گرفته و در این راستا از همه زمینه‌های موجود برای تعامل سازنده و متوازن با کشورهای دنیا بهره می‌برد. در مقاله حاضر تلاش می‌شود به صورت اجمال مولفه‌های کارآمدی سیاست خارجی دولت نهم در بخشهای ذیل معرفی و تبیین شود.

الف: تداوم گفتمان مقاومت در برابر هژمونی غرب

دیدگاه اصلی غرب و آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران، عدم پذیرش آن بعنوان کشوری مستقل، مسئول و بازیگری مهم در عرصه تعاملات منطقه‌ای و جهانی بوده‌است. و تمامی سیاستهای خرد و کلان آنان در قبال کشورمان ناشی از این دیدگاه غیر اصولی و غیر واقعی بوده است. آنان از ابتدای تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران بادستاویز قراردادن موضوعاتی چون حقوق بشر، صدور انقلاب، حقوق زنان، حقوق اقلیتها، حمایت از تروریسم، مخالفت با روند به اصطلاح صلح خاورمیانه، تلاش برای نا امن سازی عراق و افغانستان و بالاخره فناوری صلح آمیز هسته‌های، موجودیت ایران و استقلال و حاکمیت کشورمان را مورد تهاجم قرار دادند.

آمریکا با شعار حمایت از دموکراسی، با صراحت از تغییر رژیم در یکی از مردمیترین و دمکراتترین حکومتهای منطقه و جهان سخن میگوید.

جهان پس از جنگ جهانی دوم، تحت تأثیر متقابل و برخوردهای ایدئولوژیک و بلوک بندیهای شرق و غرب قرار داشت. این ساختار با همه عوارض و تبعات خود برای سالیان دراز بر نظام بینالملل حاکم بود و بسیاری از کشورها، هویت خود را در این تقسیم بندی

بینالمللی جستجو میکردند. در نیمه دوم قرن بیستم به مرور الگوی واگرایی در نظام بینالملل شکل گرفت و منطق‌گرایی و عدم تعهد نوعی خاص از سیاست خارجی برخی کشورها را تعیین مینمود. پس از فروپاشی شوروی، توزیع نامتناسب قدرت به شکل نوینی مجدداً خودنمایی کرده و هژمونی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بینالمللی غرب و بخصوص آمریکا جان تازه‌ای گرفت و با تصلب و یکجانبه‌گرایی برآمده از فروپاشی رقیب دیرین، مناسبات جهانی را تحت تأثیر قرار داد. سیاست بین‌الملل پس از فروپاشی نظام بین‌الملل دو قطبی همچنان در مرحله گذار، بی‌ثباتی و نوعی از عدم استقرار قرار گرفته و بدلیل نبود قدرت رقیب پس از فروپاشی شوروی، توزیع نامتناسب قدرت به شکل نوینی مجدداً خودنمایی کرد و مناسبات جهانی را تحت تأثیر خود قرار داد. این مسئله بدلیل آنکه با تکرار ذاتی سیاست بین‌الملل همخوانی نداشته و نوعی از دیکتاتوری جهانی را ایجاد میکند، باعث گردید که ساختار نظام بین‌الملل به سمت یک تبعیض نهادینه شده، غیر منصفانه و در تقابل با اصول اولیه و شناخت شده عدالت و در تقابل با منافع دولتهای مستقل و آزاد پیش رود تا جایی که در این سطح نیز همانند سطح ملی تلاش آنها این است که برخی از کشورها را به مثابه شهروند درجه دوم به حساب آورند.

ایدئولوژی یکجانبه‌گرا و هژمونیک آمریکا پس از حملات ۱۱ سپتامبر سرعت و جهش تازه‌تری گرفت و آمریکا رسماً اعلام کرد هرکس با ما نیست، برماست.

این خط کشی بارز ایدئولوژیک نشانگر آغازی بر یکی از راههای غرب برای تسلط کامل بر تجارت، فرهنگ و سیاست جهانی بود. راهی که پس از حملات مشکوک ۱۱ سپتامبر بهانه و توجیه بسیاری یافته بود. حمله آمریکا به افغانستان و عراق در چنین فضایی معنا یافته بود. جبهه جدید امریکایی علیه کشورهای مستقل در قالب محور شرارت تشکیل شد. طرح خاورمیانه بزرگ نیز برای انقیاد کامل کشورهای منطقه در جهت همراهی بیشتر با اهداف آمریکا و تضمین امنیت اسرائیل مطرح و پیگیری شد. در چنین فضایی کاهش قدرت و جایگاه نهادهای مشروع بین‌المللی، توسعه گفتمان سیاسی و فرهنگی لیبرال دموکراسی، شتاب و افزایش بکارگیری ابزار جهانی سازی اقتصاد و فرهنگ غربی و افزون شدن پیوسته و به ظاهر موجه حضور آمریکا در تمامی مناطق استراتژیک جهان و خاورمیانه شکل گرفته است. امریکایی شدن جهان، تک ساحتی شدن قدرت و یک جانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل حاصل همه این فرآیندهای تاریخی است.

اگر در تاریخ گذشته به نیکی بنگریم، خواهیم دید که تحولات سال‌های گذشته در منطقه و بلکه جهان، ماهیت واکنشی خود را در برابر غرب به خوبی عیان می‌کند. در واقع تحولات، ساختارها، هویت‌ها، واگرایی‌ها و جنبش‌ها و نهضت‌های جهانی و منطقه‌ای همواره نوعی واکنش به سیطره جویی شرق و غرب بوده است. انقلاب اسلامی ایران از حیث

بین‌المللی یکی از این واکنش‌ها بوده است. بی‌شک اکنون نیز یک جنبه‌گرایی و جهانی‌سازی فرهنگ و اقتصاد غرب نیز واکنش‌های متناسب با خود را در کشورهای هدف خواهد داشت. همین واکنش است که نوید بخش مقاومت در برابر آمریکا و فرهنگ غرب است. دولت نهم در فضایی از تکون تاریخی توصیف شده به وسیله آراء مردم و در یک انتخابات کاملاً مردمی بوجود آمد. اگر گفتمان اسلامی و مردمی دولت نهم که بر عدالت، صلح، امنیت، اصولگرایی و واقع‌بینی تکیه داشته و از ابزارهای علمی در سیاست‌سازی‌ها و راهبردهای علمی سود می‌برد در داخل کشور اقبال گسترده‌ای داشته و دارد. گفتمان مقاومت در برابر هژمونی غرب، پایداری برای احقاق حقوق اولیه کشور، حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی و امنیت ملی، نهایتاً دفاع از حق برخورداری عادلانه از دانش و امکانات اتمی و همه امکانات رفاهی دیگر برای مردم حاصل همین نگرش است.

ب: اتخاذ دیپلماسی فعال

منطقه حساس خاورمیانه متأثر از فضای تحمیلی و رویکرد یکجانبه قدرتهای فرا منطقه‌ای و نیز بدلیل بهم پیوستگی عمیقی که از لحاظ ساختاری و موضوعی با نظام جهانی دارد، دچار یک نوع سردرگمی گفتمانی و مهمتر از آن نظریه کلی غالب (پارادایم) قرار دارد. در این راستا آمریکائیه‌ها تصمیم داشتند کشور عراق را به جزیره ثبات و آرام خاورمیانه تبدیل نمایند که نه تنها این هدف صورت نگرفت بلکه مقامات آمریکا به ناچار به شکست در عراق اعتراف نمودند. اما شکست با هزینه‌های سنگین و به قیمت کشته شدن صدها هزار نفر شهروند عراقی و بیش از سه‌هزار سرباز امریکایی و فضای آکنده از بی‌ثباتی و آوارگی تنها دستاورد آمریکا برای عراق بود. روند رو به گسترش ضدیت با آمریکا و نارضایتی در سطح خاورمیانه از اولین پیامدهای سیاست آمریکا در منطقه بود. جمهوری اسلامی نیز با درپیش گرفتن سیاستی فعال و غیر انفعالی در ارتباط با مسائل منطق‌های، پاسخ متناسبی را در نظر و عمل ارائه نمود.

توسعه متوازن و برابر روابط، توسعه و عضویت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی، منطقه‌ای و جهانی، مقابله با تک‌قطبی‌گرایی آمریکا در همه عرصه‌های جهانی و سیاست خارجی چندجنبه‌گرا از هم آن اصول است. تأکید بر این نکته که دولت نهم در سیاست خارجی چندجنبه‌گرا از هم آن اصول است. تأکید بر این نکته که دولت نهم در سیاست خارجی خود همه‌زمینه‌های دیپلماسی رسانه‌ای، اقتصادی و فرهنگی را در کنار دیپلماسی معمول پیش گرفته و در این راستا از همه زمینه‌های موجود باریتعامل سازنده و متوازن با شورهای دنیا بهره می‌برد، یادآوری لازم و ضروریست. گاهی برخی از تحلیل‌ها ناتمام مدعی هستند که سیاست خارجی دولت نهم انزواگرا و یا با مناطق خاصی از جغرافیای

جهانی معطوف است، حال آنکه بر اساس قوانی مصرح در قانون اساسی و رهنمودهای کلی مقام معظم رهبری درباره سیاست های کلی کشور در عرصه سیاست خارجی، دولت نهم به روابط جمهوری اسلامی ایران با سای کشورها، تک حوزه ای عمل نکرده و کلی نگر است. اما آنچه محدودیت های روابط را تعریف می کند نگاه آمرانه و تک قطبی گری در روابط بین الملل و عدم عدالت رفتاری و باج خواهی برخی کشور در قبال ایران است. گفتمان جمهوری اسلامی در برخورد با منافع دولتهای سلطه‌گر و نظام بین‌الملل ناعادلانه کنونی با مقاومتها و مخالفتهایی روبرو است. سیاستمداران و مسئولان کشور و دولت نهم بخوبی از ماهیت و میزان این دشمنیها آگاهند. دستگاه سیاست خارجی برای مقابله با این مخالفتها (و کنترل منطقی بحران) دو استراتژی عمده را برگزیده است.

الف- استراتژی تغییر وضعیت متهم به مدعی

ب- استراتژی مقاومت و پایداری

تمام فعالیتهای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی پس از دولت نهم با این هدف برنامه‌ریزی شده بود که در مرحله آغازین، شیوه برخورد و بازخواست با ایران تغییر کرده و گفتمان ایرانی، در عرض و حتی برتر از گفتمانهای معارض دیگر قرار گیرد. آنچه غربی‌ها به آن عادت کرده بودند، ایراد گرفتن و توهین و توضیح خواستن بود. آنگاه نام این نحوه برخورد را (گفتگوهای انتقادی) می‌گذاشتند. این شیوه به مرور بر تمام جهات ارتباطی غرب با ایران سلطه پیدا کرده بود و نه غالب شده بود. دولت نهم برای شکستن سیطره این فرهنگ گفتمانی، از همان ابتدا فعالیتهای خود را با تغییر در نحوه گفتگوهای اتمی آغاز کرد. ارائه مشوقهای هسته‌ای و بسته پیشنهادی به ایران از نتایج اولیه این سیاست بود. عقب نشینی هر روزه امریکا و غرب در لزوم دستیابی ایران به فناوری صلح آمیز هسته‌ای نیز از برکات همین استراتژی‌ها است.

بر این اساس تصمیم و تلاشی لازم بود تا هم رویکرد غربیها اصلاح شود و هم جایگاه واقعی و حقیقی ما تثبیت گردد. البته این تلاش باید مستمر و چشمگیر باشد تا به ثمر نشیند. اتخاذ این رویکرد به معنای نفی غرب و یا نفی تعامل مناسب با کشورهای غربی نیست بلکه تنظیم مناسبات با غرب مورد توجه و تأکید ما است.

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، این اصل همواره مورد تأکید رهبران و مقامات عالی نظام بوده است که ما خواستار روابط دوستانه و عادلانه با تمامی کشورهای دنیا، بغیر از رژیم نامشروع صهیونیستی، هستیم. بنابراین، گرایش و انزوا و یا قطع روابط و یا حتی کاهش آن به هیچ وجه راهبرد ناظم نبود بلکه استمرار گفتمان با عزت و ادامه ارتباط از موضعی برابر و در چارچوب منافع مشترک و احترام متقابل و عدم دخالت در امور دیگر مورد توجه ما است.

اتخاذ این سیاست که هر که با ماست دوست و دیگران دشمن، روش منطقی در وضع و برقراری تعامل و توازن در نظام و روابط بین المللی نیست. بدیهی است در نظام بین المللی، هر کشوری بنا به مصالح و خواست ملتش منافع و مصالح خود را در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی مذهبی دنبال می نماید.

جمهوری اسلامی ایران از این امر مستثنی نیست دولت و ملت بزرگ در پی تأمین منافع و مصالح عادلانه برای خویش است. قطعاً به واسطه استقلال و آزادی خواهی یک ملت نمی توان به اجبار و بر خلاف نظام دمکراتیک و اراده نظام بین المللی خواست های یک جانبه و توسعه طلبانه ای را که حیاتی ترین منافع یک ملت را با مخاطره مواجه می سازد نادیده انگاشت.

به نظر دولت نهم جمهوری اسلامی ایران، این منطقی نیست که سه یا چهار کشور با اتکا به قدرت سلاح و ثروت به زور تصاحب شده ملت های تحت سلطه، منویات خود را معادل اراده جامعه جهانی قلمداد کرده و به دیگران تحمیل نمایند.

ج: مهندسی دیپلماسی هسته ای و گفتمان تهدید

مهمترین هدف راهبردی در سیاست خارجی و کانون مفهوم منافع ملی، هویت و امنیت است. تولید امنیت با حفظ چارچوب های امنیتی، آن هم در جهان کنونی که مملو از ناامنی، تلاطم، جنگ و بی ثباتی است، وظیفه های بس سترگ می باشد. زیرا عوامل و عناصر امنیتی، هر روز در مختصات جدیدی تعریف شده و یا بکلی معنا و مفهوم تغییر میکند. مثلاً نیروی نظامی و برتری عددی و تکنولوژیک آن که تا دیرزمانی مهمترین و بلکه تنها عامل حفظ و توسعه امنیت سرزمینی محسوب می گشت، امروزه یا بکلی جایگاه خود را به دیگر عوامل نوظهور داده و یا مختصات و جایگاه آن نسبت به قبل تغییر نموده است.

دستگاه دیپلماسی یکی از مهمترین ساختارهای سیاسی هر کشوری برای دستیابی به حداکثر امنیت ملی است. با ظهور جهانی شدن، از دیپلماسی حتی به عنوان ابزار ملی برای امنیت جهانی نام برده میشود. با این حال سامان دهی رفتاری یعنی راهبردهای اصلی سیاست خارجی برپایه اصول اولیه ارزشی و تلقی ملت و دولت از آن و جهان پیرامون استوار است.

برای اینکه سیاست خارجی همواره به نتایج مورد درخواست خود رهنمون باشد، باید اصول و مبانی آن روشن و به صورت عملی تبیین گردد رهبر معظم انقلاب این اصول را در سه اصل عزت، حکمت و مصلحت ترسیم کرده اند. به صورتی که اولاً به ارزشها، ثانیاً به عقلانیت و هدفمندی و ثالثاً بر گستردگی ابزار دیپلماسی منجر شود. عزت بر ارزشهای بزرگی چون استقلال سرزمینی، استقلال تصمیمگیری، استقلال در سیاستگذاری و حفظ حدود و ثغور امنیت ملی استوار است. اصل حکمت بر تدبیر، عقلانیت، هدفمند بودن،

فعاگرایی و واقعیت‌سنجی محیطی و کارکردهای موثر دولت در نظام بین‌الملل استوار است. اصل مصلحت نیز بر جستجوی راه‌حل‌ها و چاره‌جویی‌های لازم در تعامل با دنیای پر تلاطم و برای مقابله با تهدیدات فزاینده پیرامونی تأکید دارد. در سطح مفاهیم ارزشی و اجرایی قانون اساسی، یکی دیگر از منابع مهم راهبردهای سیاست خارجی نظام است. در اصل ۱۵۲ قانون اساسی اینگونه آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، براساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دولتهای غیر محارب استوار است». در این اصل سه عنصر آزادی (عدم سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری)، استقلال (تمامیت ارضی، عدم تعهد) و صلح‌جویی به چشم می‌خورد. با آنکه در اصل ۱۵۳ نیز از عدم سلطه سخن رفته اما سیاست خارجی جمهوری اسلامی عرصه پویای متعهدانه نظام در روابط بین‌الملل است. این پویای انقلابی در اصل ۱۵۴ نیز منعکس شده که جمهوری اسلامی، سعادت انسانی در کل جامعه بشری را آرمان خود میدانند... و در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حقیقت‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه جهان حمایت می‌کند.

سیاست خارجی دولت نهم با تکیه بر مفاهیم پیش‌گفته و با تعیین خط مشی‌های جدید مناسب شرایط زمان، هدف‌گذاری و آغاز بکار کرد. این دولت در عرصه سیاست خارجی با فضای پیچیده‌های روبرو بود. زیرا از سویی مسئله پرونده هسته‌ای و مناقشات جهانی بر سر آن را پیش رو داشت و از سوی دیگر خود را با الزامی در تغییر خط مشی‌های اجرایی در مذاکرات و تغییر در نحوه پیگیری حقوق ایران در این پرونده مواجه میدید. این همه در کنار سالیان دراز مناقشات ایران با قدرتهای استکباری جهان، تهاجم فزاینده نرمافزاری غرب علیه کشورهای اسلامی، اوج تبلیغات مسموم ضد اسلامی و ضد ایرانی، مسئله حضور آمریکا در مرزهای شرقی و غربی و تهدیدات پیش‌رو، سترگی و سختی عرصه سیاست خارجی دولت نهم را بیشتر نمایان می‌کند. دولت نهم در تنظیم و جهت‌گیری مناسبات خارجی خود به چند اصل اساسی توجه دارد: توسعه متوازن و برابر روابط، توسعه عضویت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی (منطقه‌ای و جهانی)، مقابله با تک‌قطبی‌گرایی آمریکا در همه عرصه‌های جهانی، جمهوری اسلامی ایران هنجار همکاری را به جای رابطه قدرت که خود عامل بی‌عدالتی در سیاست بین‌الملل می‌باشد، پیشه راه خود ساخته است. ما این نگاه را تنها راه مقابله با گفتمان امنیتی سلطه‌جویانه میدانیم چرا که از این طریق میتوان تناقض‌های درونی نظم ناعادلانه موجود را بر ملا نمود. گفتمان قدرت، که امروزه حاکم است چیزی جز جنگ بدست نمیدهد و لازم است که گفتمان دیگری در این رابطه حاکم شود و در سطح مفهومی ارتباط، میتواند جایگزین گفتمان قدرت شود.

سیاست هسته ای جمهوری اسلامی ایران هم در نهایت توجه به رابطه ضروری میان عدالت و امنیت است. بر اساس آمار جاری جمعیت ایران در سال ۲۰۱۸ از مرز صد میلیون نفر خواهد گذشت.

بخش اعظمی از این جمعیت، جوان و در پی امنیت شغلی و فرصت های اجتماعی خواهد بود. در شرایطی که بسیاری از کشورها در پی متنوع سازی منابع انرژی خود هستند. دولت ایران نیز در پی تحقق چنین هدفی است. هدفی که آمریکائیان نیز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تأیید احداث ۲۰ نیروگاه هزار مگاواتی بر آن مهر تأیید زده اند.

بنابراین منطقی نخواهد بود بپذیریم که پس از تحقق اراده ملت بزرگ ایران و دستیابی به تکنولوژی بومی برای فعالیت های صلح جویانه، بعضی کشورها مانع حق مسلم و نیاز طبیعی و حقوق اساسی ملت بزرگ ایران باشند.

طی یک سال و نیم گذشته، دولت نهم نهایت سعی خود را مبذول داشت تا با همه عناصر نظام بین المللی در مسیر اعتماد سازی حرکت و به کلیه سئوالات و ابهامات آنها به طور شفاف پاسخ گوید.

ما همواره علاقمند به مذاکره بوده و هستیم. صدور قطعنامه، سیاسی و امنیتی کردن برنامه هسته ای ایران و ادامه تجربه ناموفق وضع تحریم، همانگونه که تجربه چند سال اخیر نشان داده راهکار مناسبی برای حل و فصل مسائل نیست. بی شک این روش ها نیز منجر به شکست خواهد بود.

ما هم اکنون حمایت کشورهای بی شماری در جهان سوم را نسبت به برنامه هسته ای دارا هستیم و این یکی از موفقیت های برجسته دولت نهم در عرصه سیاست خارجی است.

به منظور توسعه جو اعتماد و برقراری فضای حسن نیت، سیاست مداران در دولت جمهوری اسلامی ایران در تلاشند، با بکارگیری ساز و کارهای دیپلماتیک، جهانیان و به ویژه کشورهای همسایه را از نیات و برنامه های شفاف و صلح جویانه مرتبط با انرژی هسته ای ایران، که یک نیاز ملی برای پیشبرد اهداف اقتصادی بلند مدت کشور است مطلع نمایند. ما همواره باب گفتگو و تعامل با اعضاء جامعه بین المللی و کشورهای علاقمند را مفتوح گذارده ایم ولی هیچگاه از حقوق قانونی ملت بزرگ ایران در راستای تأمین منافع ملی خود کوتاهی نخواهیم نمود و تجربه هم این مهم را به اثبات رسانیده است.

نقطه کانونی سیاست غرب نسبت به ایران عدم پذیرش ایران به عنوان یک کشور مسئول و مستقل، رشد یافته و بازیگر مهم در عرصه تعاملات جهانی است. در تلقی غرب، دست یابی ایران به فن آوری غنی سازی اورانیوم یعنی تثبیت موقعیت منطقه ای و جهانی ایران و این یعنی تثبیت قدرتی معارض در برابر غرب، به همین دلیل آمریکا و کشورهای اروپایی

تابع آن، برای جلوگیری از دست یابی ایران به این فن آوری به هر شیوه ای متوسل می شوند. و اگر ایران در این الملل و استقامت در راه و منطق برگزیده خود، اصول راهبردی خویش را تعیین کرده و تلاش نموده است که در اهداف، ارزشگرا و در رفتار و عمل واقع گرا باشد یعنی برای رسیدن به اهداف بلند ارزشی که تحقق معنویت، عدالت و آزادی است از گستره ابزارهای مشروع موجود در نظام بین الملل، مناسبات سیاسی، اقتصادی نهادهای بین المللی، حقوق اساسی و بین الدول بهره گیرد.

جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد که روابط بین کشورها باید بر اساس حق و تکلیف باشد. اگر جمهوری اسلامی ایران به دلیل پذیرش معاهدات بین المللی برای خود ایجاد تکلیف می کند متقابلاً از حق خود که در همان معاهدات تعریف شده است، چشم پوشی نخواهد کرد. دقیقاً در همین جا است که تعارض پیش می آید و ما به هیچ عنوان از حقوق خودمان در ابعاد مختلف از جمله حقوق هسته ای چشم پوشی نخواهیم کرد.

جمهوری اسلامی ایران هنجار همکاری را به جای رابطه قدرت که خود عامل بی عدالتی در سیاست بین الملل می باشد پیشه راه خود ساخته است ما این نگاه را تنها راه مقابله با گفتمان امنیتی سلطه جویانه می دانیم چرا که از این طریق می توان تناقض های درونی نظم ناعادلانه موجود را بر ملا نمود. گفتمان قدرت که امروز حاکم است، چیزی جز جنگ بدست نمی دهد. لازم است گفتمان دیگری در این ارتباط حاکم شود. فکر می کنیم در سطح مفهومی ارتباطات می تواند جایگزین مدار قدرت شود.

برنامه هسته‌های جمهوری اسلامی کاملاً صلح‌آمیز بوده و ایران آمادگی خود را برای رفع هرگونه نگرانی اعلام کرده است. در این راستا گام‌های بی سابقه‌ای برداشته است. اما جمهوری اسلامی تردیدی نداشت که همه برنامه‌ریزیها و اقدامات بنیان صدور قطعنامه شورای امنیت علیه ایران، به خاطر مقاصد جاه طلبانه آنها و با هدف محروم نمودن مردم ایران از حقوق لاینفک شان در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌های و نه بخاطر آنچه که باصطلاح نگرانی های ناشی از اشاعه تسلیحات هسته‌های یاد میشود.

طراحان و بنیان قطعنامه برای اینکه ظاهری بین المللی به مقاصد غیر اصولی خود بدهند ، ابتدا در صدد سوء استفاده از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر آمدند و همانطور که خود اذعان نموده‌اند، برخی از اعضاء را مجبور به رأی دادن علیه ایران در شورای حکام نمودند و سپس با بهره‌گیری از قدرت قابل ملاحظه اقتصادی و سیاسی خود اقدام به اعمال فشار و سوء استفاده در شورای امنیت برای تصویب قطعنامه‌های غیر قانونی طی این مدت کرده‌اند. والبته این اولین بار نیست که شورای امنیت از ایران میخواهد از حقوق خود صرفنظر نماید. ۲۷ سال پیش زمانی که صدام معدوم به ایران حمله کرد شورای امنیت ۷ روز منتظر ماند تا عراق بتواند ۳۰ هزار کیلومتر مربع از سرزمین ایران را

اشغال کند و پس از آن قطعنامه ۴۷۹ را به تصویب رساند و طی آن از طرفین درخواست کرد که به درگیری‌ها خاتمه دهند. بدون اینکه از متجاوز بخواهد از سرزمینهای اشغالی خارج شود. ایران آموخته که ذرهای عقب نشینی به پرداخت همه‌داشته‌ها و عقب نشینی از همه‌مواضع و بلکه اصول انقلاب اسلامی منتهی میشود. برخی مواقع دیده میشود که عدهای دولت را به عدم واقع‌بینی در عرصه جهانی متهم میکنند. اما به یاد داشته باشیم که مهمترین واقعیت نظام بین‌الملل در این زمان، تلاش غرب برای فتح همه‌سنگرهای هویت، ارزش و امنیت کشورهای مستقل مثل کشور عزیزمان است. عقب نشینی به معنای حسن نیت نیست. نظام بین‌الملل ابزار و معادلات خاص خود را دارد. برای پیروزی، مقاومت یکی از مهمترین و واقع بینانهترین ابزارهاست.

دولت نهم تلاش دارد در چارچوب قوانین بین‌المللی از حقوق خویش دفاع کند این اقدام دفاع از قانون‌گرایی و تعهد به موافقتنامه‌های بین‌المللی نیز هست. گاهی برخی از تحلیل‌های نا تمام مدعی هستند که سیاست خارجی دولت نهم انزواگرا و یا به مناطق خاصی از جغرافیای جهانی معطوف است، حال آنکه بر اساس قوانین مصرح در قانون اساسی و خاصی رهنمودهای کلی مقام معظم رهبری درباره سیاست‌های کلی کشور در عرصه سیاست خارجی، دولت به روابط جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها تک‌حوزه‌ای عمل نکرده و کلی‌نگر است اما آنچه محدودیت‌های روابط را تعریف می‌کند نگاه آمرانه و تک‌قطبی‌گرایی در روابط بین‌الملل و عدم عدالت رفتاری و باج‌خواهی برخی از کشورها در قبال ایران است.

لذا با آگاهی از معضلات مفهومی و روشی موجود در نظام بین‌الملل و شرایط ویژه منطقه، دولت نهم ملهم از اصول مصرح قانون اساسی مبنی بر طراحی سیاست خارجی براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با همه دولت‌ها بجز رژیم غاصب صهیونیستی و نیز در راستای عمل به سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام خصوصاً در زمینه ارتقاء جایگاه منطقه‌های جمهوری اسلامی و به منظور بهره‌برداری حداکثری از ظرفیتهای موجود در نظام اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در راستای پاسخ به ابهامات و تبدیل تهدیدات به فرصتها، اقدام به پیریزی یک سری از اقدامات و سیاستها در چارچوب اصول بنیادین عزت، حکمت و مصلحت و بهره‌مندی از رهیافت کلی تر فعال و خلاق نموده است.

لذا علیرغم تلاش بی‌وقفه غرب برای منزوی نشان دادن جمهوری اسلامی ایران و محدود کردن میدان مانور کشورمان، وزارت امور خارجه با اتکاء به اصل ثابت سیاست خارجی و استراتژی نظام توانست موفقیت‌های شایان توجهی را کسب نماید.

توسعه روابط با همسایگان، گشایش عرصه‌های جدیدی از مناسبات دیپلماتیک، توسعه حوزه جغرافیایی فعالیت‌های سیاست خارجی همچون برخی از کشورهای آمریکای لاتین و قاره آفریقا، توسعه همکاریها با دیگر کشورهای منطقه در قالب پیمان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، فعالسازی سازمان‌هایی چون همکاری‌های اقتصادی (اکو)، کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد، عضویت ناظر در سازمان همکاری‌های شانگ‌های و سارک و ...

برخی از دستاوردهای مهم سیاست خارجی بشرح ذیل میباشد: هماهنگی روابط اقتصادی خارجی:

ستادی تحت عنوان ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی با حضور معاونین ۱۷ وزارتخانه و ۵ سازمان و نهاد دولتی و خصوصی تشکیل شده که سیاستها و روابط اقتصادی خارجی کشور را با جهت‌گیری سیاست خارجی هماهنگ و توصیه‌های لازم را به بخش‌های اجرایی مینماید.

دیپلماسی انرژی:

جمهوری اسلامی ایران بزرگترین منابع شناخته شده گاز در خاورمیانه را دارا است. پس از روسیه بزرگترین کشور صاحب گاز در جهان بشمار میرود. دومین صادرکننده نفت اوپک و از نظر ذخایرنفتی شناخته شده دارای جایگاهی مشابه در دنیا است. با دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و سواحل دریای خزر و در اختیار داشتن تنگه هرمز در قلب شاهراه‌های انرژی قرار دارد. (برخلاف گذشته که سابقه حضور کشورها و شرکتهای نفتی در منطقه در عقد قراردادهای مورد توجه قرار میگرفت. (مالزی و چین) مواضع سیاسی کشورها و نوع تعامل آنان در عرصه‌های مختلف در تنظیم قراردادهای مورد توجه قرار میگیرد. اتصال خطوط انرژی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه از اصول مهم سیاست انرژی کشورمان میباشد. این اقدام تأثیر زیادی در ایجاد توسعه صلح و امنیت، اشتغال و ... میباشد.

خط لوله انتقال گاز به هندوستان و پاکستان، ترکیه، ارمنستان و تبادل برق با تمامی کشورهای همسایه با همین هدف صورت میپذیرد.

ترانزیت و حمل و نقل:

حمل و نقل، اهمیت فراوانی در جهت ارتقاء توسعه و تحکیم روابط دو جانبه و چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی داشته و تأثیر مستقیم بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد. وزارت امور خارجه در این راستا نیز نقش فعالی ایفاء می‌کند.

از مهمترین پروژه‌های مورد توجه و پیگیری می‌توان به موارد ذیل اشاره

نمود:

کریدور شمال- جنوب که موافقتنامه آن میان ایران- هند و روسیه در سال ۷۹ به امضاء رسید. مسافت کوتاه، صرفه جوئی در زمان، هزینه، امنیت، از جمله امتیازات این کریدور است.

از سال ۷۹ تاکنون کشورهای قزاقستان، بلاروس، عمان، تاجیکستان، بلغارستان، آذربایجان، ارمنستان، اکراین، سوریه، ترکیه، و قرقیزستان رسماً درخواست الحاق به این موافقتنامه را نموده‌اند. به دلیل اهمیت کشورمان در این مسیر عایدات متنوعی نصیب کشورمان خواهد شد.

احداث بزرگراه آسیایی:

برای توسعه بزرگراهها از سوی ۳۲ کشور به اجرا در خواهد آمد. این بزرگراه کشورهای آسیایی از جنوب شرق آسیا تا ترکیه را به یکدیگر متصل و به اروپا وصل خواهد نمود.

توسعه شبکه ریلی:

توسعه شبکه راه‌آهن برای ارتباط با کشورهای همسایه.

کمیسیون مشترک:

از مهمترین اسناد در عرصه همکاریهای دو جانبه در زمینه‌های مختلف بویژه همکاریهای اقتصادی میباشد.

وزارت امور خارجه عهده دار ریاست کمیسیون مشترک کشورمان با کشورهای همسایه و روسیه، مالزی و چین میباشد.

همکاریهای بانکی:

دنبال گسترش همکاریهای بانکی و روابط مالی با کشورهای دوست میباشیم (صندوق استراتژیک ایران و ونزوئلا)

صادرات غیر نفتی:

در سالهای ۸۴ و ۸۵ رو به رشد بوده و در سال ۸۵ تقریباً به دو برابر رقم پیش بینی شده رسید. (۱۵ میلیارد دلار)

وزارت امور خارجه به دنبال یافتن بازارهای جدید و بویژه در کشورهای امریکای لاتین میباشد.

جامعه اقتصادی ایرانیان خارج از کشور:

تشکیل جامعه اقتصادی ایرانیان خارج از کشور از تأکیدات ریاست محترم جمهوری و از اولویت های وزارت امور خارجه بوده است.

استفاده از توان ایرانیان بعنوان سرپل توسعه روابط اقتصادی، امکان افزایش جلب سرمایه و افزایش صادرات کالا.

مقابله با تحریمهای کشورهای غربی:

وزارت امور خارجه با برگزاری نشستهای تخصصی توسط وزارت خانههای مختلف در ظرف هشت ماه گذشته به دنبال ارائه راهکارهای مختلفی برای مقابله با این فشارها بوده که گزارشات خود را به مقامات عالییه نظام ارائه نموده است این تلاشها با هدف حفظ منافع ملی و واکنش به موقع با اقدامات کشورهای غربی صورت میگیرد و تأثیر بسزایی در ادامه راه در برخورداری از فناوری هسته‌ای است.

متنوع نمودن مبادلات بازرگانی:

در گذشته دو سه کشور مهم، نقش اصلی را در تأمین کالاهای وارداتی به کشورمان داشته‌اند. این امر موجب شده بود تا عدم تعادل در روابط اقتصادی با سوء برداشت طرفهای مقابل مبنی بر ناچار بودن جمهوری اسلامی ایران. عدم توازن میان روابط اقتصادی یا سیاسی با کشورها بوده است. لیکن متنوع سازی این مبادلات بر طرف کننده مشکلات قبلی خواهد بود.

سازمانهای منطقه‌ای و افزایش همکاریهای اقتصادی منطقه‌ای

نگاه به شرق، توسعه روابط با همسایگان، توسعه روابط با کشورهای در حال توسعه، تقویت اکو و دی هشت، همکاری با شانگهای، تبیین همکاریهای آتی با سارک، اتحادیه همکاریهای اقتصادی آمریکای لاتین و اتحادیه اقیانوس هند را از جمله موارد افزایش همکاری های اقتصادی منطقه ای می توان نام برد.

دیپلماسی اقتصادی:

از ابزارهای مهم برای دستیابی به موقعیت بهتر از اقتصاد جهانی، تحقق هرچه بیشتر منافع ملی، بهره گیری از فن دیپلماسی برای افزایش فرصتها در زمینه جذب سرمایه خارجی، انتقال فناوری، صدور خدمات فنی و مهندسی، گسترش تجارت می باشد.

دستاوردهای اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۶ - تهران

تهیه و تنظیم:

نماینده ویژه در امور دریای خزر و

معاونت آسیا و اقیانوسیه و مشترک المنافع وزارت امور خارجه

=سخن نخست:

یکی از رویدادهای مهم که در ماه‌های اخیر اتفاق افتاد برگزاری موفقیت آمیز دومین اجلاس سران کشورهای حاشیه خزر در تهران بود. موفقیت این اجلاس از چند جهت غیرقابل انکار است اول آنکه اجلاس در چارچوبی منطقی برای همکاری در شرایطی برگزار شد که آمریکا و کشورهای غربی همه تلاش خود را در عدم برگزار نمودن آن به کار گرفته و دست به شایعه پراکنی علیه این نشست با موضوعاتی از قبیل: منزوی بودن ایران به خاطر فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای، ترور آقای پوتین و ... پرداختند دوم حضور همه سران کشورهای حاشیه خزر با وجود تبلیغات مسموم رسانه‌ای و دستیابی به توافقات دو جانبه و چند جانبه و از همه مهمتر صدور اعلامیه نهایی که در بر دارنده منافع تمامی کشورها بود، لذا مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری در راستای معرفی و تبیین دستاوردهای این اجلاس در عرصه سیاست خارجی دولت نهم مقاله حاضر را ارائه نموده است.

معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی
مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

مقدمه:

اولین اجلاس سران کشورهای ساحلی خزر با حضور روسای جمهور ایران، قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان و روسیه در تاریخ ۳-۴ اردیبهشت ۱۳۸۱ در عشق آباد پایتخت ترکمنستان برگزار شد. این اجلاس که بدلیل سطح بالای شرکت کنندگان و تبلیغات صورت گرفته راجع به نقش آن در حل و فصل مسایل دریای خزر اهمیت زیادی پیدا کرده بود، اما برخلاف انتظار بدون امضای سند و اعلامیه نهایی به پایان رسید.

پیش از برگزاری اجلاس عشق آباد جلسات متعددی در سطوح معاونین وزرای خارجه و سپس وزرای خارجه تشکیل شده بود تا اجلاس به توافقاتی منجر شود. همچنین خود روسای جمهور نیز در چند جلسه مذاکره طولانی و فشرده کوشیدند در خصوص متن بیانیه نهایی سران به توافق برسند که به این مهم نایل نشدند و صرفا در مصاحبه های خود به این بیان کلی بسنده کردند که اجلاس مهم و مثبت بود.

وجود اختلاف نظرهای زیاد و عمیق بین کشورها در اولین اجلاس سران عشق آباد باعث شد روسای جمهور از صدور بیانیه نهایی خودداری کنند و از این لحاظ اولین اجلاس سران در عشق آباد شکست یافته تلقی شد.

ولی در واقع می توان گفت که به طور کلی، نفس برگزاری اجلاس عشق آباد که اولین اجلاس سران کشورهای ساحلی خزر به حساب می آمد، گامی مثبت و رو به جلو تلقی می گردد. اما به دلیل مواضع انعطاف ناپذیر کشورها، این اجلاس نتیجه ملموسی در پی نداشت. در جریان اجلاس عشق آباد روسای جمهور در چند مورد به توافق دست یافتند که از جمله عبارت بود از برگزاری دومین اجلاس سران کشورهای خزر در تهران. قرار بود این اجلاس در سال ۲۰۰۴ در تهران برگزار شود، اما مسایل مختلف، از جمله وقوع انتخابات ریاست جمهوری در ایران، بیماری و فوت حیدرعلی اف، و همچنین بیماری و فوت نیازوف باعث تاخیر در برگزاری این اجلاس شد.

در نهایت ایران در اواسط سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) آمادگی خود برای برگزاری این اجلاس را

به اطلاع کشورهای دیگر رساند. ولی با توجه به سابقه اجلاس عشق آباد، کلیه کشورها از جمله ایران خواستار آن بودند که موفقیت این اجلاس پیش از برگزاری آن تضمین شود. لذا توافق حاصل شد که متن اعلامیه نهایی سران پیش از برگزاری اجلاس در مذاکرات پنج جانبه نهایی شود.

در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ گروه کاری ویژه دریای خزر متشکل از معاونین وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی سه بار در تهران گرد هم آمدند و در مورد اعلامیه نهایی رایزنی کردند.

نتیجه این جلسات، نهایی شدن قسمت عمده اعلامیه و باقی ماندن چند مورد به صورت موارد اختلافی بود. لذا بر اساس توافق کشورها، در خرداد ماه سال ۱۳۸۶ وزرای خارجه پنج کشور ساحلی در شهر تهران گرد آمده و موارد مورد اختلاف باقی مانده را بررسی کردند. خوشبختانه کشورها به دلیل روحیه همکاری، این بار در اجلاس وزرای خارجه موفق به حل موارد مورد اختلاف شدند و با نهایی شدن متن اعلامیه نهایی سران، راه برای برگزاری اجلاس روسای جمهور کشورهای ساحلی در ایران هموار شد.

پس از رایزنی های دیپلماتیک، تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۸۶ برای برگزاری این اجلاس مورد توافق قرار گرفت و ایران به عنوان میزبان، متولی انجام هماهنگی های لازم شد. متعاقباً برای قطعی کردن "دستور کار" اجلاس و تمهید برخی مقدمات، دو جلسه دیگر در سطح معاونین وزرای خارجه و نمایندگان ویژه و روسای گروه های کاری برگزار شد و این موارد نیز نهایی گردیدند.

این در حالی بود که بسیاری معتقد بودند با توجه به شرایط سیاسی بین المللی و فشارهایی که از جانب برخی کشورهای زورگو متوجه جمهوری اسلامی ایران شده است، برگزاری اجلاسی در این سطح و با حضور افرادی چون ولادیمیر پوتین و سه رئیس جمهور دیگر کشورهای خزر در تهران ناممکن است. حتی پس از قطعی شدن برگزاری اجلاس نیز رسانه ها و سرویس های اطلاعاتی غربی با طرح مسایلی چون احتمال ترور پوتین در تهران سعی کردند این سفر را تحت الشعاع قرار داده و یا مانع از انجام آن شوند؛ اما بالاخره آقای پوتین در تهران حاضر شد.

شایان ذکر است بعد از سفر سال ۱۹۴۳ استالین به تهران - در دوران جنگ جهانی دوم - که به همراه چرچیل و روزولت در دوران اشغال ایران انجام شد؛ مقام اول کرملین سفری به ایران انجام نداده بود. مذاکرات یاد شده برای تعیین سرنوشت جنگ جهانی، و کمک رسانی به جبهه شوروی علیه آلمان و تقسیم آینده جهان در محل سفارت روسیه در تهران انجام گرفت و ایران هیچ نقشی در آن نداشت. برژنف و نیکولای پادگورنی نیز در زمان هایی به ایران سفر کرده بودند که شخص اول کشور محسوب نمی شدند.

الف) - گزارش اجلاس روسای جمهور در تهران و نتایج حاصله

بدین ترتیب دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر به میزبانی جمهوری اسلامی ایران در روز ۲۴ مهر ۱۳۸۶ در شهر تهران برگزار شد.

در مراسم افتتاحیه اجلاس سران خزر که کل مراسم آن و سخنرانی‌ها از چند شبکه تلویزیونی ایرانی و خارجی به طور مستقیم پخش می‌شد، ابتدا جناب آقای احمدی نژاد به ایراد سخنرانی پرداختند، و سپس روسای جمهور دیگر به ترتیب حروف الفبا سخنرانی کردند.

محتوای سخنان روسای جمهور عمدتاً دال بر علاقه مندی آنها به حل مسایل دریای خزر در اسرع وقت و توسعه روابط منطقه‌ای در سطح مختلف بود. همچنین روسای جمهور به تشریح مواضع و سیاست‌های ملی خود در خصوص مسایل دریای خزر پرداختند که نشان می‌داد در چند زمینه از جمله چگونگی تحدید حدود بستر دریای خزر هنوز اختلافاتی در بین کشورها وجود دارد.

پس از پایان سخنرانی‌ها، روسای جمهور عکس یادگاری دسته جمعی گرفتند و با خروج خبرنگاران و دیگر مهمانان حاضر در جلسه، اجلاس به صورت خصوصی ادامه یافت و در آن برخی موارد مهم در خصوص دریای خزر مطرح شد. در این بخش در چهار مورد توافق حاصل شد که در سطور بعد مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

با اتمام جلسه خصوصی، روسای جمهور به صورت دسته جمعی در مراسم امضای اسناد حاضر شدند.

در این مراسم دو سند به شرح ذیل امضا گردید:

۱- "اعلامیه"

نهایی اجلاس که شامل یک مقدمه مفصل و ۲۵ ماده می‌باشد. با توجه به اهمیت اعلامیه و مفاد بسیار مثبت آن خصوصاً برای جمهوری اسلامی ایران، این اعلامیه در همان روز به کلیه رسانه‌ها ارائه شد تا در صدا و سیما و مطبوعات داخلی و خارجی مورد بهره برداری خبری قرار گیرد. این امر تبلیغات مسموم عده‌ای از عناصر مخالف نظام یا مغرضان را نقش بر آب کرد. این عده پیش از اجلاس تلاش داشتند که اجلاس سران را پیشاپیش نه تنها ناموفق بلکه خیانت‌آمیز جلوه دهند. این اقدام به موقع تلاش آنان را کاملاً ناکام گذاشت.

۲- سند سه جانبه همکاری های ریلی ایران، ترکمنستان و قزاقستان؛ پس از پایان مراسم امضای اسناد، روسای محترم جمهور در مراسم کنفرانس مطبوعاتی مشترک شرکت نمودند و به بیان نتایج مذاکرات پرداختند و به پرسش خبرنگاران پاسخ دادند.

در ابتدای جلسه مطبوعاتی، جناب آقای احمدی نژاد اهم توافقات حاصله بین روسای جمهور را به نمایندگی از کلیه هممتایان خویش، بدین شرح ایراد کردند:

۱- تشکیل کنفرانس همکاری های اقتصادی کشورهای ساحلی دریای خزر: در پی پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تشکیل سازمانی با اهداف اقتصادی به منظور گسترش و توسعه تجارت و بازرگانی بین کشورهای ساحلی دریای خزر، روسای جمهور کلیه کشورها با حمایت از این طرح، در خصوص شیوه پیگیری این ایده نیز توافق کردند. بر این اساس قرار شد ابتدا کنفرانسی با هدف بررسی دقیق و فنی موضوع و راهکارهای عملی کردن طرح بررسی شود تا مقدمات تشکیل این سازمان فراهم آید. آقای پوتین آمادگی روسیه برای میزبانی این کنفرانس را در تابستان سال آینده اعلام کرد که مورد موافقت جمع قرار گرفت. قرار شد هیات های کشورهای ساحلی به ریاست معاونین نخست وزیر و با شرکت وزرای امور خارجه و سایر وزرای ذی ربط در این کنفرانس شرکت کنند. به احتمال زیاد این کنفرانس در بندر آستراخان (که بندری در دریای خزر می باشد) برگزار خواهد شد. این کنفرانس همزمان با سالگرد تاسیس استان و شهر آستراخان که توأم با مراسم با شکوهی خواهد بود، منعقد خواهد شد.

۲- مسایل مربوط به صلح، ثبات و امنیت در دریای خزر: در این خصوص توافق شد که باکو به عنوان میزبان بعدی اجلاس سران، بر اساس طرحهای ارائه شده موجود (طرح های ایران، روسیه و قزاقستان) ابتکار عمل را بدست گیرد و پیش نویس سندی پنج جانبه را در این زمینه آماده کند که در اجلاس بعدی گروه کاری و معاونین وزیر و سپس وزرای خارجه مذاکره و بررسی گردد تا انشاءالله در اجلاس آتی سران نهایی گردد.

۳- برگزاری منظم اجلاس وزرای خارجه و روسای جمهور: با توجه به اینکه بین اجلاس سران عشق آباد و تهران حدود پنج سال و نیم زمان سپری شده بود و پیرو پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، کلیه کشورها توافق کردند که اجلاس سران و وزرای امور خارجه پنج کشور به صورت منظم و مستمر برگزار گردد. بر این اساس توافق حاصل گردید که در آینده روسای جمهور کشورها به صورت سالی یک بار و وزرای امور خارجه سالی دو بار گرد هم آیند البته سران تایید کردند که می توان این تاریخ ها را اندکی جابجا کرد تا اسناد و توافقاتی برای امضا آماده شوند. در مورد تعیین محل و

زمان اجلاس بعدی سران نیز همه کشورها با میزبانی باکو (در اکتبر سال ۲۰۰۸) موافقت کردند.

۴- تعیین زمان و مکان اجلاس بعدی سران:

توافق شد که اجلاس بعدی سران در اکتبر سال ۲۰۰۸ میلادی در شهر باکو برگزار شود.

در ادامه جلسه کنفرانس مطبوعاتی، روسای جمهور به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند که ارزیابی کلیه روسای جمهور از این اجلاس کاملاً مثبت بود و از ایران به خاطر سازماندهی و برگزاری بسیار منظم و موفق این اجلاس تشکر کردند و بدین ترتیب دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تهران پایان یافت.

دیدار روسای جمهور کلیه کشورها با مقام معظم رهبری

پس از اتمام اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر شامل روسای جمهور ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و روسیه جداگانه و به نوبت به حضور مقام معظم رهبری رسیدند و مذاکرات انجام گرفت.

نظربایف رئیس جمهور قزاقستان نیز روز قبل به حضور مقام معظم رهبری رسیده بود چرا که وی یک روز قبل از اجلاس سران به تهران عزیمت کرده بود. شایان ذکر است که نامبرده متجاوز از ۱۰ سال بود که به ایران سفر نکرده بود و اجلاس سران خزر این فرصت را فراهم ساخت که این سفر با موفقیت کامل انجام گیرد.

(ب)- خلاصه ای از اعلامیه نهایی سران

اعلامیه نهایی سران کشورهای ساحلی که در روز ۲۴ مهر به امضای روسای جمهور پنج کشور همسایه دریای خزر رسید، گام مهمی در پیشبرد روابط کشورهای منطقه و حل مسایل این دریا محسوب می شود.

همچنین این اعلامیه اولین سند سیاسی بین ۵ کشور ساحلی خزر بود که به امضای روسای جمهور می رسید و از این لحاظ یک حادثه تاریخی محسوب می شود. به علاوه، موضوعات مطروحه در این اعلامیه از حوزه مسایل دریای خزر فراتر رفته و اشتراکات نظر کشورها در مسایل کلان امنیتی و سیاسی بین المللی را نمایان می سازد.

برخی از مفاد این اعلامیه به قرار ذیل است:

۱- طرفها اظهار داشتند که فقط کشورهای ساحلی، دارای حقوق حاکمیه در رابطه با دریای خزر و ذخایر آن هستند.

۲- طرفها اعلام کردند که دریای خزر باید فقط جهت اهداف صلح آمیز مورد استفاده

قرار گیرد و همه مسایل مربوط به دریای خزر بوسیله کشورهای ساحلی از طرق مسالمت آمیز حل و فصل خواهد شد.

۳- طرفها تایید کردند که نیروهای مسلح آنان به منظور حمله به هر یک از طرفها مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

۴- طرفها تاکید کردند که در هیچ صورتی به کشورهای دیگر اجازه نخواهند داد تا از قلمرو کشورشان برای تهاجم و سایر عملیات نظامی علیه هر یک از طرفها استفاده شود.

۵- طرفها از روند مذاکرات پیرامون رژیم حقوقی دریای خزر بر اساس احترام متقابل و حسن تفاهم و برابری حقوق، موازین پذیرفته شده حقوق بین الملل در فضای گفتگوهای متمدنانه ابراز رضایت کرده و ضرورت ادامه فعال این مذاکرات را خاطر نشان کردند.

۶- طرفها توافق کردند تا تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر در پهنه آن، باید رژیم های توافق شده کشتیرانی، ماهیگیری و تردد کشتی ها صرفاً تحت پرچم کشورهای ساحلی خزر بر اساس تحقق حقوق حاکمه آنها اعمال گردد.

۷- طرفها اعلام کردند که توافق نهایی در مسایل مربوط به تحدید حدود بستر به منظور استفاده از منابع زیر بستر توسط همه کشورهای ساحلی دریای خزر با توجه به حقوق حاکمه آنها و احترام به حقوق و منافع قانونی یکدیگر اجرا خواهد شد.

۸- طرفها همچنین حق مسلم کلیه کشورهای عضو معاهده "منع اشاعه و تکثیر سلاح های هسته ای" جهت توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته ای در مقاصد صلح آمیز بدون تبعیض و در چارچوب مفاد این معاهده و همچنین سازوکارهای آژانس بین المللی انرژی اتمی را مورد تایید قرار دادند.

۹- طرفها پایبندی خویش را به توسعه همکاری های وسیع دو جانبه و چند جانبه در مبارزه با تروریسم، نقل و انتقال غیرقانونی مواد مخدر و سلاح و جرایم سازمان یافته فراملی با استفاده از نقش محوری هماهنگ کننده سازمان ملل متحد بر اساس رعایت دقیق اصول و موازین شناخته شده حقوق بین الملل مورد تایید قرار دادند.

۱۰- طرفها اصل مسئولیت کشورهای ساحلی دریای خزر در قبال خسارات وارده به محیط زیست خزر و به یکدیگر در نتیجه استفاده از دریای خزر و بهره برداری از منابع آن را تایید کردند.

۱۱- طرفها با درک مسئولیت خویش در برابر نسل های امروز و فردا در قبال حفاظت از دریای خزر و تمامیت سیستم زیست محیطی آن، اهمیت گسترش همکاری در حل مسایل زیست محیطی دریای خزر را مورد تاکید قرار دادند.

برگزاری موفقیت آمیز دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تهران در شرایط سیاسی داخلی و بین‌المللی در بردارنده بازتاب‌هایی گسترده در رسانه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بود.

این اجلاس نظر به اهمیت خود از حیث دستورکار و همچنین توافقات از پیش تعیین شده (تنظیم اعلامیه توسط وزرای کشورهای ساحلی جهت امضاء سران) ابعاد گسترده‌ای یافت. حضور رئیس‌جمهور روسیه در کنار روسای جمهور قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان بازتاب‌های وسیعی هم به لحاظ روابط دو جانبه و چندجانبه کشورمان و هم از نظر منطقه‌ای و بین‌المللی برجای گذاشت.

بررسی بازتاب مطبوعاتی سفر در سه مقطع زمانی پیش از اجلاس، حین اجلاس و پس از اجلاس تحلیلی مختصر از وضعیت پوشش رسانه‌ای این رویداد تاریخی را ارائه می‌دهد:

پس از اعلام رسمی زمان و مکان برگزاری اجلاس سران توسط سخنگوی وزارت امور خارجه و تکرار آن توسط وزر امور خارجه گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای راجع به دستور کار اجلاس آغاز شد. طرح کلی رسانه‌های غربی با توجه به نیت سوء آنان و دسترسی اندک به اطلاعات دست اول پیش فرض سازی منفی از اجلاس و اهداف آن بود.

در کنار جوسازی منفی رسانه‌های غربی، رسانه‌های فارسی و عمدتاً منابع اینترنتی اعم از سایت‌ها و وبلاگ‌های مرتبط با اپوزیسیون، بحث تقسیم دریای خزر و ضایع شدن حقوق توهمی ۵۰ درصدی ایران در خزر، ابعاد منفی همکاری ایران و روسیه و امکان تکرار قرار داد ترکمنچای جدید، سابقه منفی تاریخی شوروی و روسیه در اذهان ملت ایران را مطرح کردند. در این رابطه بسیاری از چهره‌های رسانه‌ای اپوزیسیون به میدان آمدند و مصاحبه‌های اشخاصی چون نوری زاده و سازگارا و ... نتایج منفی را برای دستور کار و نتایج این اجلاس پیش‌بینی می‌کرد.

این رسانه‌ها با هدف لطمه وارد کردن به روابط دو کشور ایران و روسیه، برای جلوگیری از برگزاری اجلاس سران، ناامن و بحرانی جلوه دادن وضعیت داخلی و بین‌المللی کشور، تشدید وضعیت پرونده هسته‌ای کشورمان و ممانعت از سفر تاریخی پوتین به ایران آخرین تیر ترکش عملیات روانی رسانه‌ای خود یعنی خبر ترور پوتین را پرتاب کردند.

حضور تمامی سران کشورهای ساحلی در اجلاس و همچنین نوع چینش برنامه‌های تنظیم شده (پنج دور نشست گروه‌های کاری در سطح معاونین وزیر و نمایندگان ویژه درامور خزر، یک دور اجلاس وزاری امور خارجه، نحوه شروع برنامه، افتتاحیه، مراسم عکس یادگاری، امضای اعلامیه، کنفرانس مطبوعاتی، ملاقات با مقام معظم رهبری) برای هیئت‌های سیاسی و همین‌طور اهمیتی که کشورهای عضو به لزوم نمایش توافق و همبستگی در

حل و فصل مسائل و پیشبرد تفاهم و توسعه روابط در قالب سازوکار اعلامیه سران اندیشیده بودند نه تنها تأییرات مثبتی بر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و همکاری منطقه ای بر جای گذاشت بلکه جو منفی و مصنوعی ناشی از فعالیت های تبلیغاتی و موضعگیری های واهی برخی کشورهای غربی همچون فرانسه، آمریکا و رژیم صهیونیستی را خنثی نموده، علاوه بر مسایل دریای خزر، موقعیت بین المللی به ویژه پرونده هسته ای کشورمان را کاملاً به نفع طرف ایرانی تقویت نمود.

انتشار نتایج نشست و همچنین اعلامیه امضا شده (به همراه امضای سند همکاری های ریلی) و چاپ تصاویر سران کشورهای ساحلی در کنار یکدیگر و تفاهم و علاقه مشهود در تصاویر حتی جرج بوش را مجبور به واکنش نمود.

باید تأکید نمود اجلاس سران از هر نظر موفقیت آمیز بود. روح و فضای ایجاد شده ناشی از توافق و تفاهم میان کشورهای ساحلی این حقیقت را روشن کرد. فضایی که هر پنج کشور عضو امیدوارند در قالب ابتکارات مختلف و سرعت بخشیدن به رایزنی ها و تبادل هیئت ها همچنان حفظ نمایند.

رسانه های بین المللی پس از برگزاری موفق اجلاس کشورهای حاشیه دریای خزر در تهران آن را یک اتفاق بزرگ و موفقیت برای جمهوری اسلامی ایران و گامی بزرگ در پیشبرد موضوع رژیم حقوقی دریای خزر دانستند.

حین اجلاس و پس از آن در حقیقت رسانه های غربی و ضد انقلاب در دامی افتادند که خود پهن کرده بودند. این رسانه ها که پیش از برگزاری اجلاس تلاش برای برهم زدن این اجلاس را از طریق انتشار خبر و شایعه ترور پوتین در ایران بر عهده داشتند، مجبور شدند تا ابعاد گسترده و مثبت اجلاس را بطور کامل پوشش دهند.

به اعتقاد رسانه های خبری، نشست ها و بررسی های کارشناسی قبل از اجلاس سران و نیز مجموعه تفاهمی که بین پنج کشور برای رسیدن به رژیم حقوقی دریای خزر انجام شد، به درستی گواه برگزاری موفقیت آمیز اجلاس تهران است. رئیس‌ان جمهوری پنج کشور حاشیه دریای خزر توانستند از یک سو در زمینه مفاد رژیم حقوقی مذاکره کنند و از سوی دیگر درباره بیانیه نهایی نظرت خودشان را اعلام کنند که این موفقیت از نگاه محافل بین المللی پوشیده نمانده است. در این میان بازتاب گسترده این نشست در محافل سیاسی و رسانه ای دنیا قابل تأمل است.

د) - پاسخ به چند سؤال مهم در خصوص دریای خزر

آیا مباحث رژیم حقوقی دریای خزر در این اجلاس مورد بحث قرار گرفت و آیا نتیجه ای حاصل گردید؟

با توجه به پیچیده بودن مباحث رژیم حقوقی و وضعیت مذاکرات از ابتدا همه طرفها می دانستند که قرار نیست مسائل رژیم حقوقی دریای خزر در این جلسه نهایی شود. البته رؤسای محترم جمهور روند مذاکرات را ارزیابی و رهنمودهایی در خصوص چگونگی ادامه مذاکرات به کارشناسان ارائه کردند. اما از ورود به جزئیات مباحث رژیم حقوقی خودداری شد.

چرا مباحث رژیم حقوقی دریای خزر اینقدر طولانی شده است و آیا در آینده نزدیک تحولی در وضعیت فعلی ممکن خواهد بود؟

اول باید دید که چرا مذاکرت رژیم حقوقی دریای خزر طولانی شده است؟ دریای خزر در حال حاضر به لحاظ حقوقی تحت رژیمی است که عناصر ابتدایی آن را معاهدات ایران و شوروی سابق تشکیل داده اند. این عناصر گرچه کاربردی و مفید هستند، اما کامل و جامع نیستند. به عنوان مثال مشخص نیست که در سطح دریا، عرض منطقه ملی یا دریای سرزمینی هر کشور چه مقدار است؟ و چه رژیمی بر آن حاکم است؟ یا اینکه هر یک از کشورهای ساحلی در چه محدوده ای حق بهره برداری از منابع واقع در زیر بستر این دریا را دارا هستند؟

همچنین در زمینه مسایل دیگر این دریا مانند مسایل نظامی، انتظامی و امنیتی؛ همکاری ها در زمینه شیلات و محیط زیست؛ چگونگی انتقال منابع انرژی خزر و غیره لزوم ایجاد یک چارچوب مدون حقوقی از طریق اجماع کشورهای ساحلی احساس می شود. بر پایه ی چنین ضرورتی، کشورهای ساحلی دریای خزر متجاوز از ده سال است که دارند جهت تعیین این چارچوب جامع حقوقی با یکدیگر مذاکره می کنند؛ اما این مذاکرات فقط ۴-۵ سال است که جنبه فنی و تخصصی به خود گرفته و جدی تر دنبال می شود. اگر وضعیت موجود کنونی با وضعیت موجود در آغاز این مذاکرات مقایسه گردد؛ مشخص خواهد شد که پیشرفت های بسیار چشمگیری حاصل شده است.

ظرف این مدت برخی مسائل مانند محیط زیست مورد توافق نهایی قرار گرفته و اکنون چارچوب حقوقی فعالیت ها در آن حوزه ها موجود است. به علاوه، درهیچ موردی نیز کشورها به بن بست نرسیده اند و همگرایی خوبی در بین نظرات کشورها در خصوص اصول حاکم بر فعالیت ها در دریای خزر به وجود آمده است.

در عین حال، باید توجه کرد که این گونه مسائل به طور مستقیم با حاکمیت، حقوق حاکمه و اعمال صلاحیت کشورها و موضوع تحدید حدود پیوند خورده است؛ لذا حساسیت و اهمیت فوق العاده ای دارند. نباید انتظار داشت که چنین مسائل پیچیده ای به سرعت حل و فصل شوند. اصولاً مذاکرات تعیین رژیم حقوقی دریاها و دریاچه های بین المللی در

سراسر جهان مذاکراتی بسیار مفصل و طولانی بوده است. آنهم دریاچه‌هایی که به لحاظ ژئوپلیتیک و اقتصادی قابل مقایسه با دریای خزر نیستند. واقعاً دریای خزر در جمیع جهات دریایی بی نظیر و منحصر به فرد محسوب می‌شود.

در خصوص سهم ایران از دریای خزر نظرات متفاوتی در جامعه وجود دارد. موضع رسمی ایران در این خصوص چیست؟

بر خلاف تصویری که برخی افراد دارند و فکر می‌کنند که در زمان شوروی دریای خزر بین ایران و شوروی تقسیم شده بوده است، اینگونه نیست. یک خصوصیت منحصر به فرد دریای خزر این است که تاکنون هیچ‌گونه مرز سیاسی در آن ترسیم نشده است. اگر به مفاد قراردادهای ایران و شوروی و روسیه سابق نیز رجوع کنیم خواهیم دید که در این قراردادها هیچ‌گونه صحبتی راجع به چگونگی تقسیم دریا و نیز ترسیم مرز در آنها وجود ندارد. لذا این تصور که نیمی از دریای خزر به ایران و نیمی از آن به شوروی سابق تعلق داشته است گمراه‌کننده بوده و به هیچ وجه قابل دفاع نیست. چنین چیزی نه تنها در اسناد منعقد شده بلکه در عمل و رویه نیز نبوده است.

پس از فروپاشی شوروی، جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد که بهترین رویکرد در دریای خزر را بهره‌برداری و استفاده مشاع از این دریا می‌داند. منظور ایران از ارائه این پیشنهاد هم این بود که همه کشورهای ساحلی بایستی با همکاری هم مدیریت امور و مسایل این دریا را بر عهده بگیرند و حقوق و تکالیف کشورها به صورت متناسب در این دریا برقرار شود. اگر این پیشنهاد مورد قبول کشورهای دیگر قرار می‌گرفت، یک نمونه عالی از همکاری منطقه‌ای شکل می‌گرفت که می‌توانست برای کلیه مناطق جهان یک الگو و نمونه باشد.

منتهی برخی کشورها قسمت‌هایی از این پیشنهاد را نپذیرفتند و خواستار آن شدند که بستر دریای خزر تقسیم شود. البته باز هم کشورها اتفاق نظر دارند که مسائل سطح دریای خزر باید اصولاً به روش اشتراک نظر و همکاری حل شود. در خصوص بستر نیز وقتی از تقسیم صحبت می‌شود منظور تقسیم حاکمیتی و مرکزبندی دریا شبیه آنچه در خشکی بین کشورها برقرار است، نیست. منظور تعیین مناطقی است که هر کشور در آن حق دارد از منابع واقع در بستر و زیر بستر دریا بهره‌برداری اقتصادی کند.

جمهوری اسلامی عنوان کرده، در صورتی که تمام کشورها خواستار تقسیم بستر باشند، ما نیز با این روش موافقت خواهیم کرد؛ منوط به این که این تقسیم بر طبق موازین حقوق بین‌الملل، از جمله توجه به ویژگی‌های خاص مثل طول و شکل سواحل هر کشور و بکارگیری اصل "انصاف" باشد.

لذا اکنون مذاکرات بین کشورها بر سر تعیین روش مناسب برای تحدید حدود بستر دریای خزر به منظور استفاده از منابع بستر و زیر بستر جریان دارد. موضع جمهوری اسلامی ایران نیز در جریان این مذاکرات مستحکم، مستند به اصول و موازین حقوق بین المللی و همواره در جهت منافع ملی کشورمان بوده است.

این دغدغه در نزد افکار عمومی وجود دارد که ایران در رقابت با کشورهای ساحلی دریای خزر بر سر بهره برداری از منابع نفت و گاز این دریا عقب مانده و هیچ سهمی در این بهره برداری ها ندارد. آیا واقعاً چنین است؟

گرچه چند کشور حاشیه دریای خزر در طول چند سال گذشته (از سال ۱۹۴۹) در حال بهره برداری از منابع نفت و گاز این دریا بوده اند، اما این مسئله لطمه ای به منافع ایران در این دریا نمی زند؛ زیرا منابع در حال استخراج بین ایران و آن کشورها مشترک نیست.

به علاوه، جمهوری اسلامی ایران با دو کشور جمهوری آذربایجان و ترکمنستان به این توافق دست یافته که تا زمان حصول موافقت نهایی بین کشورهای خزر در این خصوص، هیچ گونه بهره برداری از منابع واقع در محدوده بیست درصدی صورت نگیرد.

شایان ذکر است که تاخیر ایران در بهره برداری از منابع این دریا به دلیل شرایط ویژه دریای خزر در نزدیکی سواحل ایران است که به دلیل عمق بسیار زیاد احتیاج به فناوری پیشرفته دارد. تاکنون گام های بسیار مهمی در شناسایی منابع هیدروکربوری در نزدیکی سواحل ایران از طریق لرزه نگاری برداشته شده و کار ساخت سکوی حفاری نیمه شناور ایران - البرز با استفاده از جدیدترین و بهترین فناوری روز جهان در حال اتمام است. در آینده بسیار نزدیک ایران نیز کار بهره برداری از منابع نفت و گاز این دریا را آغاز خواهد کرد.

ه) - برخی مشخصات عمومی دریای خزر

دریای خزر که از آن با عناوین دیگری چون دریای گرگان، گیلان یا جیلان، دیلم، طبرستان، هیرکانی، باکو، هشترخان، مازندران، قزوین (در زبان عربی دریای قزوین و خزر هر دو کاربرد دارد)، کاسپین (در زبانهای روسی و انگلیسی) و ... نیز یاد می شود، پهنه ای آبی محصور در خشکی است که پهنه ای ارتباطی بین دو قاره اروپا و آسیا محسوب می شود. این پهنه آبی با مساحت تقریبی ۳۷۲ هزار کیلومتر مربع، بزرگترین دریاچه جهان است و از ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۱۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۴ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی امتداد یافته است. بیشترین طول آن از شمال به جنوب ۱۰۲۳ کیلومتر و پهنای متوسط آن ۲۸۰ کیلومتر است. متوسط عمق دریای خزر ۱۸۰ متر و بیشترین ژرفای آن که در قسمت جنوبی این دریاچه واقع شده، در حدود

۱۰۲۵ متر است.

البته باید در نظر داشت که با توجه به نوسانات بسیار زیاد و متناوب دریای خزر و تناوب اختلاف سطح آن نسبت به سطح آبهای آزاد از یکسو و وجود نقشه های متفاوت از دریای خزر که طی سالهای مختلف تهیه شده اند، تعیین دقیق مساحت، طول و عرض و حجم آب آن به صورت کاملا دقیق امکان ندارد؛ لذا عددهای مختلفی ذکر شده و می شود.

دریای خزر توسط پنج کشور روسیه (در شمال و توسط ایالت های داغستان، کالمکیا و آستراخان)، قزاقستان (در شمال شرقی)، ترکمنستان (در شرق)، ایران (در جنوب و توسط استان های گلستان، گیلان و مازندران) و جمهوری آذربایجان (در غرب) احاطه شده است. در بخش ترکمنی این دریاچه، خلیج بزرگ قره بغاز قرار دارد. همچنین این دریاچه در بخش روسی از طریق رود ولگا به وسیله کانالهای مختلف به دریای سفید، بالتیک و دریای سیاه مرتبط می باشد. از شهرهای بزرگ و عمده مجاور دریای خزر می توان به آستراخان و دربند در روسیه؛ آتیرائو و آکتائو در قزاقستان؛ ترکمن باشی در ترکمنستان؛ نکا، امیرآباد، فریدون کنار، نوشهر، انزلی، آستارا، در ایران و باکو در جمهوری آذربایجان اشاره کرد.

دریای خزر از نظر اکولوژیک دارای خصوصیات مشترک با دریاها و دریاچه ها است. دو رود ولگا و اورال بزرگترین رودهایی هستند که به این دریا می ریزند و بزرگترین خروجی طبیعی آب از این دریاچه از طریق تبخیر است. در نتیجه، اکوسیستم خزر همانند یک دریای بسته است و ارتفاع آب در آن نیز به سطح دریاهای آزاد مرتبط نمی باشد. در طول قرون گذشته ارتفاع آب خزر بارها افزایش و کاهش (عمدتا سریع) را تجربه کرده است. در سال ۲۰۰۴ ارتفاع آب دریای خزر ۲۸ متر پایین تر از سطح دریا بوده است.

از جمله آبیان دریای خزر باید به شمار فراوان ماهیان استروژن اشاره کرد که از تخم آنها خاویار بدست می آید. گرچه دریای خزر مهمترین مرکز تولید خاویار در جهان است، اما صید بی رویه ماهی های استروژن در دهه های اخیر موجب کاهش شدید تعداد این ماهیان و در نتیجه وضع مقررات سختگیرانه در مورد میزان استحصال خاویار به صورت مجاز در کشورهای ساحلی این دریا شده است. فُک خزر (Caspian Seal) نیز در شمار گونه های پستاندار با ارزش جاندارانی است که تنها در این دریا یافت می شود و از معدود گونه هایی از این حیوان است که در آبهای بسته زندگی می کنند.

از نظر منابع طبیعی بی جان نیز دریای خزر بسیار غنی است. منابع عظیم نفت و گاز در بستر این دریاچه وجود دارند که گرچه بهره برداری از آنها به مدت حداقل نیم قرن صورت گرفته است، اما بخش عمده آنها اخیرا کشف شده اند و شناسایی تمام این منابع مستلزم اکتشافات بیشتر است. در پیش بینی خوش بینانه تخمین زده می شود که حوزه

دریای خزر پس از خاورمیانه و روسیه رتبه سوم از حیث بزرگترین ذخایر نفت و گاز طبیعی در جهان را دارا باشد. میزان کل ذخایر نفت اثبات شده دریای خزر بین ۱۷ تا ۳۳ میلیارد بشکه تخمین زده می شود که رقم اول بامیزان ذخایر نفت قطر و رقم بالاتر با میزان ذخایر نفت ایالات متحده قابل مقایسه است. میزان ذخایر اثبات شده گاز دریای خزر نیز در حدود ۵-۶ تریلیون متر مکعب تخمین زده می شود که با ذخایر گاز عربستان سعودی قابل مقایسه است. البته کشورهای غربی مانند آمریکا به دلایل سیاسی به منظور افزایش دخالت و حضور در منطقه ، عددهای بیشتری را وانمود می کنند. در حالی که واقعیت غیر از این است و خزر در حالت خوشبینانه تنها ۵-۶ درصد نفت جهان را دارا می باشد. اکثر حفاری هایی که جمهوری آذربایجان ظرف چند سال اخیر انجام داده برخلاف انتظار به نفت و گاز نرسیده است. تنها دو حوزه مهمی که این کشور اکتشاف و فعالیت می کند که عبارت از حوزه های نفتی "آذری - چراغ - گونشلی" و حوزه گازی "شاه دنیز" است که در دومی ایران ۱۰ درصد سهم دارد. در شمال خزر نیز در حال حاضر قزاقستان در "کاشاگان" به نفت دسته یافته لیکن بهره برداری از آن هنوز آغاز نشده و بارها به تعویق افتاده ، و گفته می شود که سالهای ۲۰۱۱ یا ۲۰۱۲ به بهره برداری خواهد رسید.

